

تمدن نوین اسلامی و سبک زندگی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

کسری بقائی پور

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

Email:k.baghaei52@yahoo.com

چکیده

سبک زندگی اسلامی به عنوان مقوله ای که بیشتر در قالب رفتار نمایانگر می شود، در واقع نشان دهنده پشتوانه تصمیم های روزانه انسانها است. سئوالی که مطرح می شود این است که چه عواملی در رشد تمدن اسلامی تأثیر داشته است؟ اینکه افراد چگونه فکر می کنند؟ و چگونه نسبت به این شناخت و فکرهاشان احساس می نمایند؟ چگونه مطابق با این شناخت و احساس عمل می نمایند؟ و علل انحطاط آن چه بوده است؟ و یا عوامل رشد پیشرفت چه می باشد؟ موضوع قابل تاملی است که به نوعی در سبک زندگی اسلامی باید به آن پرداخت. لذا به کتابخانه ها، پایگاه های اینترنتی و نرم افزارهای مرتبط مراجعه نموده و به این نتیجه رسیده که عوامل متعددی در رشد تمدن نوین اسلامی تأثیر داشته است.

سبک زندگی و نو بودن آن در ادبیات گفتمانی و پرهیز از تقلید که از کسب و سلوک زندگی در تمدن غربی نشأت گرفته و بحث مهندسی نوین تمدن اسلامی و شکوفایی آن که باعث پیشرفت در علم، صنعت، اقتصاد، سیاست و بعد ابزاری تمدن اسلامی (جنبه ابزاری و حقیقی سبک زندگی)) نمایان است از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت ا... خامنه ای که می گوید: خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند خط رسیدن به تمدن اسلامی است. بنابراین تئوری مهندسی تمدن اسلامی بستری مناسب برای طراحی نقشه ایجاد این آرزوی دیرین صالحان می باشد، مورد بررسی قرار داده شده است.

کلید واژه: رهبر معظم انقلاب اسلامی - سبک زندگی اسلامی - تمدن نوین اسلامی - مهندسی نوین اسلامی

طرح مساله

مطالعه و بررسی سبک زندگی اسلامی و تمدن نوین اسلامی با پیدایش جامعه مورد توجه قرار گرفت. از این رو بسیاری از نظریه های اجتماعی به بررسی حوزه فعالیت های سبک زندگی اسلامی و هویت شخصی و اجتماعی گرایش دارند. در حقیقت به دنبال تغییر در مفاهیمی چون طبقه و فراغت، فرهنگ بر عامل اقتصادی و ساختار اجتماعی تولید اولویت یافته و باعث گسترش شاخه مطالعات فرهنگی و از جمله سبک زندگی اسلامی گردیده است. (پاینده، ۱۳۸۶)

در تعاریف مرتبط با سبک زندگی گاه بر مقوله رفتار و گاه بر مقوله ذهنیت و به عنوان پدیده ای گروهی تمرکز می شود. دسته ای از تعاریف سبک زندگی، تعاریفی هستند که بیشتر جنبه روانشناختی دارند و در تعریف این مفهوم جمع رفتار و ذهنیت را در نظر می گیرند. سوبل اعتقاد دارد که شاخص سبک زندگی باید ابزاری بوده و در جامعه قابل تشخیص باشد. (سوبل، ۱۹۸۱)

ادبیات موجود در سبک زندگی و تمدن نوین اسلامی نیز نشان می دهد که شاخص های در نظر گرفته شده توسط محققان نیز غالباً چنین ویژگی ای ندارند. حتی مانند سه نوع نیاز انسان را از هم متمایز می کند: ۱. نیازهای اساسی که برای بقای انسان لازم اند ۲. نیازهای ضروری که شخصیت را شکل می دهند ۳. نیازهای تجمیلی (منز، ۱۵۱) و معتقد است برآوردن نیازهای اساسی پرسش از سبک زندگی را پیش می کشد.

ضرورت و اهمیت مساله

از آنجایی که سبک زندگی برگرفته از ارزش ها و نمود رفتار افراد در زندگی می باشد. عوامل زیادی از جمله عوامل اقتصادی و طبقاتی، اخلاقی و شخصیت فردی، ساختارهای اجتماعی در تولید سبک زندگی اسلامی نقش دارند. سبک زندگی منحصر به این موارد نیست و می تواند شامل رفتارهای افراد در بخش های مختلف زندگی باشد.

ب- اهمیت و ضرورت عملی

در مجموع می توان از نظر کاربردی به موارد زیر در اهمیت این تحقیق اشاره کرد:

شاخص های سبک زندگی اسلامی در واقع می توانند به عنوان معیارهایی برای افراد در تصمیم گیری باشند. اینکه نگرش افراد نسبت به این شاخص ها چگونه باشد کمک عمده ای می نماید؛ البته عوامل زمینه ای دیگر را نیز نباید از نظر دور داشت و در صورت در نظر گرفتن همه موارد است که می توان تحلیل درستی از فرایند سبک زندگی توسط افراد جامعه نمود.

هدف های تحقیق

اهداف اصلی

سنجش تاثیر شاخص های سبک زندگی اسلامی

1. sobel
2. Manz

شاخص های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبر اسلامی

اهداف فرعی

- سنجش تاثیر نگرش به سبک زندگی - سنجش تاثیر ارزشها- سنجش تاثیر هویت -سنجش تمدن نوین اسلامی از دیدگاه

رهبری

فرضیه ها یا سوال تحقیق

فرضیه های اخص

۱- ارزش ها(الگوی ارزشی)

۲- هویت (الگوی هویتی)-ارزش ها از دیدگاه رهبری

انواع تحقیق

از نظر هدف: این تحقیق برحسب هدف از نوع کاربردی می باشد. با پی بردن به تاثیر شاخص های سبک زندگی اسلامی بر تمدن نوین اسلامی می توان تا حد زیادی مبتنی بر این عوامل موثر را پیش بینی کرد. متغیرهای مستقل این تحقیق شامل شاخص های سبک زندگی اسلامی (مصرف، ارزشها، هویت و اوقات فراغت) می باشند. متغیر وابسته شامل تمدن نوین اسلامی می باشد.

متغیرهای تحقیق

شایان ذکر است که از میان شاخص های متعدد برای مقوله سبک زندگی اسلامی و تاثیر آن بر تمدن نوین اسلامی، شاخص های مدنظر این تحقیق شامل سه مورد ذیل هستند:

۱. مصرف (الگوی مصرف)، ۲. ارزش ها (الگوی ارزش)، ۳. هویت - شاخص های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه اسلامی

با قائل شدن به دو عالم (گفتمان) مدرن و دینی با توجه به اینکه فضای غالب گفتمانی در دنیای کنونی حول این دو شکل می گیرد؛ بنابراین، برای هر کدام از این شاخص ها، زیرشاخه هایی به شکل زیر در نظر گرفته شده است:

الگوی مصرف (دینی و مدرن)، ارزش ها (دینی و مدرن)، هویت (دینی، مدرن)

در نقطه مرکزی و معیار اصلی «مصرف دینی» مؤلفه «اعتدال»، «مطابق با نیاز بودن» و برای «مصرف مدرن» مؤلفه «لذت گرایی»، «نیاز کاذب»، «مصرف برای دوری از زندگی تکراری» و «مدگرایی» مدنظر است. برای «ارزش های دینی» مؤلفه «خدمات محوری» و برای «ارزش های مدرن» مؤلفه «بشر محوری» مدنظر است. البته برای ارزش ها دو معیار فرعی دیگر نیز مطرح شده است که عبارتند از: «قرض گرفتن یا نگرفتن» و «تاثیر فقر دیگران و هموعان در میزان نگرش به تمدن نوین اسلامی». برای «هویت دینی» مؤلفه «معرفی کننده به عنوان فردی دین مدار»، «توجه به نظرات خانواده و یا خانواده محوری» و برای «هویت مدرن» مؤلفه «نشان دادن به دیگران و تمایز از دیگران» مورد نظر است.

متغیرهای مستقل: الگوی مصرف (دینی و مدرن)، ارزش ها (دینی و مدرن)، هویت (دینی، مدرن) شاخص های تمدن

نوین اسلامی از دیدگاه رهبری

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق

الف- تحقیق خارجی

تاکنون تحقیقی برای بررسی تاثیر شاخص های سبک زندگی و تمدن نوین اسلامی صورت نگرفته است اما پیرامون این موارد تحقیقاتی انجام شده که به بعضی از آنها اشاره می گردد.

از آنجا که توجه به خانواده به عنوان یکی از محورهای شاخص هویت در این تحقیق مطرح است، باید گفت که محققان و صاحب نظران زیادی از قبیل: ویلیام لوید وارنر، ون هوتن، گردن، سگالن، سولومون برنقش خانواده در سبک زندگی تأکید داشته اند؛ به گونه ای که یکی از این محققان به نام ون هوتن ضمن توجه به شاخص خانواده و زن، در خصوص ارتباط با فرزندان و ضوابط و روش های تربیت کودک نیز توجه نموده و یا لیبرسون نیز شاخص نام گذاری فرزندان را در نوع سبک زندگی مؤثر دانسته است.

ب- تحقیق داخلی

در تحقیقی توسط ربانی و رستگار (۱۳۸۷) تحت عنوان « جوان ، سبک زندگی اسلامی و فرهنگ مصرفی » سبک زندگی اسلامی از نظر متغیرهای فرهنگی - اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد.

وحید شالچی در مقاله ای تحت عنوان « سبک زندگی اسلامی جوانان کافی شاپ » هر چند تنها به قشری از جوانان، آن هم افرادی که معمولاً بخشی از اوقاتشان را در کافی شاپ می گذرانند، می پردازد؛ اما توجه به آن تا حدی نمایانگر نوعی از رفتارهای موجود در جامعه ماست. یکی از عناصر مهم سبک زندگی، سلیقه و هنجارهای مصرف است. نتایج این پژوهش نشان ۳۲٫۷ درصد جوانان کافی شاپ مطابق مد بودن را یکی از دو اولویت خود در انتخاب لباس می دانند. ۵۳٫۸ درصد این جوانان زیبایی و رنگ لباس را یکی از دو اولویت اول خود برای انتخاب لباس می دانند. در مقابل تنها ۱٫۳ درصد جوانان کافی شاپ ارزانی را جزء اولویت های خود در انتخاب لباس ذکر می کنند. مارک لباس نیز برای ۲۵٫۶ درصد ایشان یکی از دو عامل مهم در انتخاب لباس است. ۴۳٫۵ درصد جوانان کافی شاپ تک بودن لباس را به منزله یکی از دو اولویت مهم خود ذکر می کنند و تنها ۵٫۸ درصد مقتضیات فرهنگی کشور را در انتخاب لباس مهم دانسته اند و ۲۶٫۷ درصد نیز دوام لباس را عامل مهمی در انتخاب لباس خود می دانند.

مقدمه

سبک زندگی دانشی است با پیشینه کم، که متعلق به تمدن جدید غرب می باشد و به همین خاطر دارای معنای خاص مربوط به همین تمدن مذکور است. برای فهم سبک زندگی اسلامی بهتر است به سایر واژه های مرتبط این مفهوم رجوع شود تا فهم عمیق تری را نائل آیم. از واژه های مرتبط می توان به سنت و مدرنیته اشاره کرد. در واقع با پرداختن به این دو مفهوم است که می توان تفاوت معنای سبک زندگی در زندگی پیشینیان و مردم امروزی و همچنین مردمی که تحت تاثیر ارزشها و

فرهنگ موجود در عالم دینی با مردمی که در عالمی غیر دینی (نه لزوماً ضد دینی) زندگی می کنند را درک نمود. اینکه چه شاخص هایی در هر یک از عوالم بیشتر مدنظر قرار دارد و به نوعی زندگی مردمان تحت آن عالم را هدایت می کند، به نوعی نشان دهنده محوریت های زندگی هر یک از آنهاست.

سبک زندگی اسلامی به عنوان یک دانش پیشینه چندانی ندارد، اما به عنوان مقوله ای درهم تنیده با زندگی، می توان پیشینه ای به قدمت پیدایش انسان بر روی زمین برای آن قائل شد. نظریه های مختلفی بر پایه چارچوب های گوناگون توسط متفکرین اسلام و غربی در مورد سبک زندگی اسلامی و شاخص های مورد نظر آن ارائه شده است.

باید اشاره کرد که به طور کلی سه نظریه مهم برای تحلیل سبک زندگی در چارچوب تمدن غرب وجود دارد. این سه نظریه متناسب به کارل مارکس، ماکس وبر و گیدنز می باشند.

مارکس چارچوب تحلیلی خود را براساس عوامل اقتصادی و تولیدی قرار می دهد. وبر با نگاهی به نظریه مارکس، آن را کامل نمی داند و به نوعی آن را تک بعدی می شمارد. وبر معتقد است که عوامل اجتماعی و غیراقتصادی نیز باید در تحلیل گنجانده شود. بوردیو کسی است که با تمرکز بر نقش سرمایه های گوناگون افراد، به نوعی به جمع بندی نظریات مارکس و وبر اقدام می کند.

سبک زندگی اسلامی: شیوه زندگی قشرها، طبقات و گروه های اجتماعی مختلف را در جامعه سبک زندگی اسلامی می نامند. هر یک از قشرهای اجتماعی سبک زندگی اسلامی ویژه با رویکردها و باورداشت های خاص خود را دارند. سبک زندگی اسلامی، کارهای روزمره، عادات لباس پوشیدن، خوردن، شیوه روبه روشن شدن با دیگران، گذران اوقات فراغت و به طور کلی چگونگی انتخاب های افراد را در برمی گیرد. (سازگارا، ۱۳۸۲)

به باور گیدنز شیوه زندگی مجموعه ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آن ها را به کار می گیرد چون نه تنها نیازهای جاری او را برآورده می سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می سازد. به باور گیدنز شیوه زندگی مجموعه ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آن ها را به کار می گیرد چون نه تنها نیازهای جاری او را برآورده می سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می سازد. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۰)

مصرف فرهنگی شامل مولفه های زیر است:

سلیقه های هنری در باب استفاده از فیلم، کتاب، موسیقی. میزان استفاده از رسانه های جمعی (رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت). خرید پوشاک را می توان رفتاری دانست که مشتمل بر مصرف مادی و فرهنگی است. در واقع نوعی فهم الگوی مصرف افراد است. الگوی مصرف به دو دسته دینی و مدرن تقسیم شده است.

هویت (الگوی هویتی): در اصطلاح علمی، هویت به معنی چیستی شناسی یا کیستی شناسی است. این که افراد جامعه خود را «که» یا «چه» بدانند در واقع هویت خود را مشخص می نمایند. (توسلی، ۱۳۷۴: ۳۲۴) هویت یعنی چیزی که ما به آن تعلق داریم. «خود» به صورتی که شخص آن را به طور بازتابی و برحسب زندگینامه رسمی خویش درک می کند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۳۲۶)

^۱. Giddens

نگرش: شیوه ای که افراد نسبت به جنبه خاصی از محیطشان، فکر، احساس و عمل می کنند. (هاوکینز، بست و کانی، ۲۰۰۱) نگرش را با ویژگی هایی چون جذابیت، ارزشمند بودن، سودمند بودن، مربوط بودن، مورد نیاز بودن و... می توان اندازه گرفت.

دیدگاه غیر بعدی گرایانه به نگرش (صمدی، ۱۴۴)



طبق رویکرد غیر بعدی گرایانه، نگرش تنها از یک جزء احساسی تشکیل شده و ابعاد رفتاری و شناختی اجزای نگرش نبوده و در تاخیر و تقدیم آن می آیند.

مدل نگرش

	نگرش افراد نسبت به رفتارها و تصمیم گیری						
	مدل ABC	جزء رفتاری نگرش		جزء احساسی		جزء شناختی	
مدل نگرش	مدل پاسخ رفتاری	- تکرار	عدم تمایل - تمایل - قصد	اولویت	علاقه	دانش و معلومات	آگاهی
فرایند تصمیم گیری	فرایند منطقی تصمیم گیری	ارزیابی و رفتار پس از آن	تصمیم	تمایلات بخردانه یا عاطفی - تهییجی / عوامل غیرمنتظره - نگرش دیگران	ارزیابی گزینه ها	جمع آوری - اطلاعات و منابع آن	شناخت نیاز
مدل اثربخشی	هرم سلسله مراتب تاثیرات	مصرف منظم و مداوم	آزمایش	ترجیح	دوست داشتن و تمایل	ادراک / دانش	آگاهی

در مطالعه نگرش ها، دو گرایش عمده وجود داشته است. گرایش اول دیدگاه سه جزءئی و گرایش دوم دیدگاه غیر بعدی گرایانه (حاصل تکامل دیدگاه سه جزءئی) است که نگرش را به عنوان یک ساختار مجرد احساسی در نظر می گیرند. عنصر شناختی عبارت از اعتقادات و دانش افراد نسبت به یک شیء است. عکس العمل های احساسی افراد نسبت به اشیا بر جزء احساسی یک نگرش دلالت دارند، جزء رفتاری نگرش تمایل به پاسخگویی به روش خاص و مشخص به یک شیء یا فعالیت است. انتظار می رود که این سه جزء دارای سازگاری کلی در مورد مطلوب یا نامطلوب بودن یک شیء داشته باشند. (صمدی: ۱۴۳ و ۱۴۴)

ارزش ها (الگوی ارزشی): عقیده یا باور نسبتاً پایدار را گویند که فرد و یا جامعه باتکیه بر آن، غایات خاصی را طلب می کند و رفتارهای خاصی را از خود بروز می دهد. (مهدی زاده، ۱۳۸۹) ارزش ها به دو دسته دینی و مدرن تقسیم و شاخص های

^۱ . Hawkins, Best, & Coney

متناسب با هریک تعیین شده است .

حضرت آیت الله خامنه ای می گوید: برخی کشورها، بدون ایمان به مکتبی خاص، مقلد تمدن غربند. این ها ممکن است به پیشرفتهای صوری نیز برسند اما زیانهای بی انتهای ذلت تقلید، آنها را دچار آسیبهای جدی می کند و ریشه آنها را از بین می برد بنابراین اگر طوفانی پیاپی شود توانایی استقامت ندارند. رهبر انقلاب خاطر نشان می کنند: برخلاف این کشورهای مقلد، ملت‌هایی که در مقابل تمدن غرب، مکتب توحید را انتخاب می کنند هم به پیشرفت حقیقی و همه جانبه دست می یابند و هم تمدنی عمیق و ریشه دار می سازند که فکر و فرهنگ آنها را در جهان گسترش می دهد. ایشان از کسانی که در محیط های شبه روشنفکری، ملت ایران را از شعارهای مکتبی می ترسانند، انتقاد کردند و افزودند: آنها می خواهند ترس و واهمه خود را به مردم منتقل کنند به همین علت مدام می گویند شعارهای مکتبی، دردسر و تحریم و تهدید می آورد. اگر خوشبینانه به این گفته ها نگاه کنیم باید بگوییم این افراد از تاریخ بی خبرند. در بحث سبک و فرهنگ زندگی، اسلام عزیز همه نیازهای انسان را برآورده می سازد و دانشوران حوزه و دانشگاه باید علاوه بر تلاش در فقه و حقوق، در بحث اخلاق اسلامی و عقل و سلوک عملی اسلام نیز کارهای مترکم و با کیفیت انجام دهند تا نتایج این تلاشها مبنای برنامه ریزی و تعالیم نسلها قرار گیرد.

سبک زندگی اسلامی و فرهنگ

اگر فرهنگ را به ارزش ها، هنجارها و کالاهای تولید شده در یک جامعه نسبت دهیم، در رابطه با نسبت دو مفهوم فرهنگ و سبک زندگی اسلامی چندین نظریه وجود دارد. اما در صحیح ترین و معقول ترین تعریف، هر فرهنگ شامل مجموعه ای از سبک های زندگی یک پهنه ای اجتماعی است. (مهزاده، ۱۳۸۹) رهبر معظم انقلاب اسلامی «سبک زندگی» را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی می خوانند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای «پرداختن به این مفهوم مهم، آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جویی در این زمینه» تأکید می کنند: پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهد وسیله ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی. ایشان، مفهوم پیشرفت را تداعی کننده حرکت، راه و ضرورت می دانند. در هر برداشتی (چه مادی و چه معنوی) از مفهوم توقف ناپذیر پیشرفت، سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن اهمیت فراوانی دارد. ایشان برای تبیین بیشتر اهمیت سبک زندگی و جایگاه آن در تمدن نوین اسلامی می گوید: اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری - و "حقیقی و اساسی" خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می دهد. تحقق هر دو بخش تمدن نوین اسلامی ضروری می باشد: بخش ابزاری، یا سخت افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به عنوان نمودهای پیشرفت مطرح می شود از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و نظائر آن. در این زمینه البته پیشرفتهای خوبی داشته ایم اما باید توجه کرد که این پیشرفتها، وسایل و ابزاری است برای دستیابی به بخش حقیقی و نرم افزاری تمدن اسلامی یعنی سبک و شیوه زندگی. در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیطهای مختلف، اشاره کردند که در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهند. در معارف اسلامی، اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود،

مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد. ایشان با تأکید بر اینکه بدون پیشرفت در بخش حقیقی تمدن سازی نوین اسلامی یعنی «سبک و فرهنگ زندگی»، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد. متأسفانه ما در این بخش، پیشرفت چشمگیری نداشته و مثل بخش اول یعنی علم و صنعت و نظائر آن پیشرفت نکرده ایم. در خصوص آسیب شناسی و علت یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری دانسته و همه اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاههای مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان را به این امر دعوت می کند که در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب شناسی، به چاره جویی و جستجوی راههای علاج بپردازیم. اگر گفتمانی در زمینه آسیب شناسی و چاره جویی مشکلات موجود در سبک و فرهنگ زندگی بوجود آید، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً درخشندگی ملت ایران در این زمینه نیز، چشم جهانیان را متوجه خود خواهد کرد.

سبک زندگی اسلامی و ارزش

اکثر قریب به اتفاق دانشمندان معتقدند که مفهوم مرکزی و عنصر محوری تولید و بازتولید سبک زندگی اسلامی، مفهوم ارزش است. این ارزش ها خواه ارزش های اصیل انسانی یا الهی باشند، خواه ارزش های برگرفته از بهره مندی از متاع مادی و دنیایی باشد، به هر حال سبک زندگی اسلامی فرایند بازتایی ارزش ها (و البته هنجارهایی برآمده از آن) در فرد و جامعه است. (مهدی زاده، ۵۸)

رابطه ارزشها و توسعه جوامع

در جملات پیش رو سه دیدگاه رایج در مورد رابطه ارزشها و توسعه کشورها مطرح می شود، که به نوعی باید گفت که دیدگاه غالب و حاکم در بین متفکرین جامعه است که به زندگی مردم نیز تسری پیدا می کند و تصمیم های آنان را در موارد مختلف تحت تاثیر قرار می دهد. اینکه کدام یک از سه دیدگاه زیر در جامعه، مورد پسند و انتخاب قرار گیرد، میزان تاثیر ارزشها بر تصمیم گیری ها (از جمله خرید های گوناگون) را به طور متفاوتی نمایان می سازد.

از جمله مهم ترین دل مشغولی جامعه شناسان متقدم و متاخر، همچون کنت، دورکیم، پارسونز، وبر، زیمل و تونیس بررسی ارتباط و اثرات متقابل توسعه اقتصادی - اجتماعی و صنعتی شدن از یک سو و ارزشها از سوی دیگر بوده است. در زمینه سنت و مدرنیته و رابطه آنها با توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع دیدگاهها را در مجموع به سه بخش می توان تقسیم کرد: نخست دیدگاهی که مدرنیته و ارزشهای مدرن را مساوی با غربی شدن می داند (داریاپور: ۱۰) و ویژگی های مدرنیته را ناشی از شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی و سیاسی غرب می داند که نمی تواند با ویژگی های کشورهای در حال توسعه و غیر غربی سازگار باشد. دوم اختصاص به نظریه نوسازی (مدرنیزاسیون) دارد و معتقد است برای تحقق توسعه، بایستی از سنت و ارزشهای سنتی که مانع توسعه هستند، دست کشید و به مدرنیته و ارزشهای مدرن روی آورد. دیدگاه سوم مدعی است که سنت و ارزشهای سنتی همیشه معکوس و ضد توسعه نبوده و بازسازی و تحول نمودن سنت و سازگاری آن با تحولات اجتماعی می تواند مشوق

توسعه باشد. براساس رویکردهای نوین توسعه اجتماعی، نیروی انسانی مهم ترین عامل توسعه محسوب می شود و با ایجاد نگرشها و ایستارهای مطلوب می توان فرایند رسیدن به توسعه اقتصادی - اجتماعی را که حرکتی در جهت فراهم نمودن بسترها و شرایط لازم برای به فعلیت درآوردن استعدادهای انسانی است، تسریع نمود. (همان : ۱۱)

جدول زیر نشان دهنده یکی از تقسیم بندی های مربوط به ارزش ها می باشد که توسط راکبیچ ارائه شده است:

ارزش های غایی و ابزاری راکبیچ (داریاپور، ۷۵)

ارزش ابزاری	ردیف	ارزش غایی	ردیف
بلندپرواز	۱	زندگی آسوده	۱
آزادمنش	۲	زندگی هیجان انگیز	۲
توانا	۳	احساس موفقیت	۳
بشاش	۴	یک دنیای در صلح	۴
نظیف	۵	یک دنیای زیبا	۵
دلبر	۶	مساوات	۶
بخشنده	۷	امنیت خانوادگی	۷
یاری گر	۸	آزادی	۸
صادق	۹	خرسندی	۹
تخیل گر	۱۰	هماهنگی درونی	۱۰
مستقل	۱۱	عشق کامل	۱۱
باهوش	۱۲	امنیت ملی	۱۲
منطقی	۱۳	لذت	۱۳
مهربان	۱۴	رستگاری	۱۴
مودب	۱۵	احترام به خود	۱۵
مسئول	۱۶	پذیرش اجتماعی	۱۶
خودنگهدار	۱۷	حکمت	۱۷
مطیع	۱۸	دوستی حقیقی	۱۸

باید گفت ارزشها در ارتباط مستقیم با گرایش ها، هنجارها و کنش های افراد بوده و بازتاب روشی هستند که افراد یک جامعه، در فرهنگ و برهه زمانی خاص به آن می اندیشند. توجه به نقش ارزشها در دستیابی به اهداف جامعه ضروری است. با توجه به تقسیم بندی که از مفهوم ارزش در بین نظریه پردازن مطروحه در سطور قبل، ارائه شده است؛ یعنی تقسیم به دو دسته سنتی و مدرن و یا دسته های فرعی تر ابزاری و غایی، به دلیل برداشت متفاوت از مفهوم سنت، این تقسیم بندی به طور کامل قادر به توصیف جامعه ایران نمی باشد و به جای آن از تقسیم بندی ارزشهای دینی و مدرن استفاده می گردد؛ با آگاهی از این امر که ممکن است، لزوماً برخی از گویه های مورد نظر این تقسیم بندی بیانگر معنای افاده شده از آنها را نکند. بدین معنا که وقتی ارزشها را به دو دسته مدرن و دینی تقسیم می نماییم، انتظار تحلیل رفتار در معنای کاملاً دینی و یا کاملاً مدرن به عنوان عضوی از جامعه نیست؛ بلکه این رفتار به صورت یک طیف می تواند از مدرن تا دینی قابل تغییر باشد.

نکته دیگر اینکه برخی از گویه های مرتبط به موضوع تحقیق، از جداول فوق انتخاب شده است که این امر در مورد گویه های ارزشهای مدرن کاملاً صدق می کند و در مورد گویه های ارزش های دینی ، بدون اتکا به این جداول و از منابع مرتبط تر به جامعه ایران استفاده شده است. برای مثال برخی از گویه های مورد استفاده در قسمت ارزشهای مدرن شامل موارد (۱۸، ۱۲، ۱۰، ۹، ۴، ۳، ۲، ۲۰) می باشند، که به نوعی برخی از آنها به سایر شاخص های تحقیق تسری پیدا کرده اند.

جدول گویه های ارزش های سنتی و مدرن (داریاپور: ۱۹۷ - ۲۰۰)

ردیف	گویه های ارزش های سنتی	ردیف	ارزش های مدرن
۱	مساوات	۱	قدرت اجتماعی (توان کنترل دیگران و تسلط)
۲	آرامش درونی	۲	لذت (ارضای امیال)
۳	یک زندگی روحانی (تاکید بر معنویات)	۳	آزادی (آزادی عمل و اندیشه)
۴	احساس تعلق (احساس اینکه دیگران به فکر من هستند)	۴	یک زندگی پرهیچان
۵	نظم اجتماعی (ثبات جامعه)	۵	ثروت
۶	معنی دار بودن زندگی (هدف داشتن)	۶	احترام به خود (اعتقاد به ارزشمند بودن خود)
۷	مودب بودن، پذیرش سهم خود در زندگی (تسلیم شرایط زندگی خویش)	۷	خلاقیت (تخیل، منحصر به فرد بودن)
۸	امنیت ملی	۸	حریم خصوصی
۹	جبران یاری و کمک دیگران (پرهیز از مدیون بودن)	۹	اعتبار اجتماعی (مورد تایید دیگران بودن)
۱۰	جهانی در صلح	۱۰	یک زندگی متنوع (چالش، نوآوری)
۱۱	احترام به سنت (حفظ آداب و رسوم متداول)	۱۱	اقتدار (حق دستور دادن و رهبری)
۱۲	عشق کامل و بلوغ یافته (صمیمیت عمیق عاطفی و معنوی)	۱۲	مستقل
۱۳	انضباط شخصی (خودداری در برابر لغزش و وسوسه)	۱۳	بلند پرواز (سخت کوش، جاه طلب)
۱۴	امنیت برای خانواده	۱۴	باجرات
۱۵	وحدت با طبیعت	۱۵	با نفوذ
۱۶	فهم و حکمت (درک صحیح از زندگی)	۱۶	انتخاب اهداف شخصی (گزینش مقاصد شخصی)
۱۷	دوستی حقیقی (دوستان حامی و صمیمی)	۱۷	توانا (کاردان، موثر، باکفایت)
۱۸	جهانی سرشار از زیبایی (زیبایی طبیعت و هنر)	۱۸	حفظ ظاهر (حفظ وجهه در برابر مردم)
۱۹	عدالت اجتماعی، یاری دهنده (برای آسایش دیگران کارکردن)، حفظ محیط زیست	۱۹	با هوش (منطقی و متفکر)
۲۰	معتدل و میانه رو، فرمان بردار (وظیفه شناس و مطیع)	۲۰	لذت بردن از زندگی (لذت از غذا، تفریح)
۲۱	وفادار (وفادار به دوستان و گروه خود)	۲۱	کنجکاو (علاقمند به فهمیدن همه چیز، جستجوگر)
۲۲	با مدارا (تحمل عقاید دیگران)، مذهبی (مومن، دیندار)، احترام (احترام به والدین و بزرگترها)	۲۲	موفق (از نظر نیل به اهداف)
۲۳	فروتن، مسئول، با گذشت، پاکیزه (تمیز) سالم، صادق	۲۳	خوش گذران

سومین شاخص از شاخص های سبک زندگی اسلامی مورد نظر تحقیق ، هویت می باشد.

سبک زندگی اسلامی و هویت

در مطالعات سبک زندگی و همچنین آرایه‌ای که برخی نظریه پردازان درباره سبک زندگی ابراز کرده اند، تاکید بر نقش سبک زندگی در خلق هویت فردی یا جمعی - بیشتر به چشم می خورد.

آنچه یک جامعه و حکومت اسلامی را از غیر آن متمایز می سازد، برخورداری آن جامعه و حکومت از الگوهای اصیل برخاسته از تعالیم اسلامی در روابط و مناسبات فردی و اجتماعی آن جامعه است. گروهی معتقدند تعالیم اسلامی گونه ای خاص از نحوه زندگی و تعاملات اجتماعی را بنیان می نهد که از اساس برگرفته از اندیشه های اسلامی است. این گروه معتقدند، اسلام و تعالیم اسلامی توان ارائه طرح و اداره جامعه و زندگی انسان را از کلان ترین سطوح تا جزئی ترین موارد دارد. آنچه موجب برجستگی این موضوع شده این واقعیت است که در این رویکرد، مجموعه این تعالیم در قالب یک طرح کامل و به هم پیوسته و منسجم، یک نظام کاملاً هماهنگ و معنادار را پیش روی ما قرار می دهد، نظامی که در صورت پیاده شدن، بستری کاملاً مناسب برای رساندن انسانها به اعلی علیین و اقامه قسط و عدل در جامعه فراهم می کند.

در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که زندگی انسان امروز و آنچه از روابط و مناسبات در آن جریان دارد، حاصل و دستاورد قرنهای اندیشه‌ورزی و تجربه اندوژی بشر بر کره خاکی است که به سادگی قابل انکار و کنار گذاشتن نیست. در این میان آنچه ادیان و به ویژه اسلام برای بشر به ارمغان آورده است، قواعد و چارچوبهایی است که انسان را ناگزیر می کند در این بازی از این مقررات تخطی و تعدی نکند و سهم ادیان تنها عمل کردن به مثابه محافظی است که نمی گذارد او از چارچوب طراحی شده بیرون رود.

حضرت آیت الله خامنه ای، با توجه به نو بودن بحث "سبک زندگی" در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، می گوید: چرا فرهنگ کار جمعی در ایران ضعیف است؟ چرا در روابط اجتماعی، حقوق متقابل رعایت نمی شود؟ دروغ چقدر در جامعه رواج دارد؟ علت برخی پرخاش گریها و نابردباریها در روابط اجتماعی چیست؟ طراحی لباسها و معماری شهرها چقدر منطقی و عقلانی است؟ آیا حقوق افراد در رسانه ها و در اینترنت رعایت می شود؟ علت بروز بیماری خطرناک قانون گریزی در برخی افراد و بعضی بخشها چیست؟ چقدر وجدان کاری و انضباط اجتماعی داریم؟ چرا برخی حرفها و ایده های خوب در حد حرف و رؤیا باقی می ماند؟ چه کنیم ریشه ربا قطع شود؟ و چه کنیم تا زن هم کرامت و عزت خانوادگیش حفظ شود و هم بتواند وظایف اجتماعی خود را انجام دهد؟ ودهها سؤال و مسئله اساسی دیگر نیز وجود دارد که همه آنها با سبک و فرهنگ زندگی مرتبطند و به علت اهمیت این مسائل در زندگی انسان است که قضاوت در مورد یک تمدن با توجه به پیشرفت آن در بخش سبک و فرهنگ زندگی صورت می پذیرد. ایشان درباره سبک زندگی از منظر اسلام می گوید: اسلام، «خردورزی، اخلاق و حقوق» را مایه های اصلی فرهنگ صحیح می داند و ما نیز باید بطور جدی به این مقولات پردازیم و گرنه پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. ایشان در ترسیم چگونگی شکل گیری سبک و شیوه زندگی افزودند: فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، سبک خاصی را به همراه می آورد. ایشان، تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر «مکتب و نظریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی» را نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف می دانند و می گوید: بدون اعتقاد جدی و تلاش هیچ هدفی محقق نمی شود.

افرادی درباره نظر فیلسوفان غربی و مقلدان داخلی نظر می دهند و می گویند جامعه را با ایدئولوژی و مکتب نمی شود اداره

کرد اما تمام تجربیات تمدن ساز، نشان می دهد که مکتب، هدایت کننده و اداره کننده حرکات عظیم اجتماعی است و بدون داشتن مکتب و ایدئولوژی، و بدون «ایمان و تلاش و پرداخت هزینه های لازم»، هیچ تمدنی امکان تحقق نمی یابد.

ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است. اصولاً تمدن سازی نوین اسلامی، امری فراتر از تعمیر، اصلاح و ایجاد اصلاح در تمدن موجود است. از این روست که از «مهندسی» تمدن جدید بحث می کنیم. در این نگاه، اقتباس و تقلید جایی ندارد و نسخه برداری و تلفیق قابل قبول نیست. ایجاد تغییر اساسی در شاکله تمدن موجود و تصرف در مبانی نظری، ساختارها و محصولات آن، اجتناب ناپذیر است. در غیر این صورت، سخن گفتن از مهندسی تمدن نوین اسلامی گزافه گویی است. پی گیری تحقق تئوری مهندسی تمدن اسلامی در پایان دهه سوم انقلاب اسلامی امید جدیدی در وجود جامعه بشری شعله ور کرده است و مشتاقان خسته و سرخورده از تمدن مادی در انتظار حضور یک موجود نامأنوس با فضای زیست کاملاً مادی هستند که با طرح شعارهایی بنیادین خواهان تحول اساسی و جایگزینی در مفاهیم و ساختارها و محصولات تمدنی موجود می باشد.

اما باید باور کرد که از زمان پیدایش نظام نوپای اسلامی تا تحقق آرمانشهر اسلامی، راهی نه چندان طولانی وجود دارد. همانگونه که رهبر فرزانه می گوید: خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند خط رسیدن به تمدن اسلامی است. بنابراین تئوری مهندسی تمدن اسلامی بستری مناسب برای طراحی نقشه ایجاد این آرزوی دیرین صالحان می باشد.

با توجه به شواهدی که در بالا اشاره شد، می توان برای هر یک از هویت های دینی (اسلامی - ایرانی) و مدرن، محورهایی را قائل شد. «خانواده محوری» و «توجه هویت دینی» که به نوعی تمایل به مشابهت و وحدت اجتماعی و تاریخی در آن جلوه گر است، به عنوان محورهای هویت دینی و «تمایزطلبی و تمایز از دیگران» با تمایل به نوعی هویت فردی به عنوان محورهای هویت مدرن، مدنظر می باشد.

فرهنگ غرب، اصولاً فرهنگی مهاجم است و به هر دلیلی در هر کشوری رواج یابد بتدریج فرهنگ و هویت آن ملت را نابود می کند پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است اما، باطن آن «سبک زندگی مادی شهوت آلود گناه آفرین هویت زدای ضد معنویت» است. ایشان، با اشاره به تقلید از فرهنگ غربی در برخی مظاهر زندگی در کشور افزودند: باید با فرهنگ سازی لازم، یک حرکت تدریجی در زمینه اصلاح این مسئله ایجاد شود. رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود، سوء استفاده گسترده غرب از ابزار هنر بویژه هنرهای نمایشی و سینما را مورد اشاره قرار دادند و افزودند: سیاستمداران غربی با استفاده از این روش، بدنبال سلیقه سازی و ترویج سبک زندگی غربی در جوامع دیگر هستند. آنها در پروژه هایی تعریف شده، و با استفاده از جامعه شناسان، روانشناسان و مورخان، نقاط ضعف ملتها بویژه ملتهای اسلامی را بررسی می کنند و با شناخت راههای تسلط بر آنها، ساخت فیلمهای خاصی را به فیلم سازان سفارش می دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور، مراقبت کنند.

نتیجه گیری

۱ - پیش فرض های تئوری مهندسی تمدن اسلامی:

الف - جامعیت دین و حضور حداکثری دین در روابط فردی و اجتماعی، موضوعات و ساختارهای قدرت، اطلاعات و ثروت است.

ب - کارآمدی: مکتبی که نتواند کارآمدی خود را در قالب سرپرستی تکامل الهی به اثبات برساند و احکام خود را در بستر جامعه و تمدن جریان دهد و وظایف یک شهروند جامعه را از مهد تا لحد سازماندهی کند حتما از کارآمدی و جامعیت لازم برخوردار نیست. در این صورت چنین مکتبی نخواهد توانست دو حوزه اعتقاد و محل اجتماعی را به یکدیگر پیوند زند.

۲ - الزامات قطعی مهندسی تمدن اسلامی:

- هماهنگی سه حوزه مفاهیم، ساختارها و محصولات اجتماعی حول هدف و غایت واحد (ایمان به خدا)

- هماهنگی سه حوزه مفاهیم ارزش، بینش و دانش یا علوم اخلاقی، فلسفی و تجربی حول کلام وحی در جامعه پردازی و مهندسی تمدن اسلامی

- ضرورت تبدیل مفاهیم مربوط به کیفیت پرستش به مفاهیم مربوط به کمیت پرستش (ترجمه کیف به کم)

- وجود فلسفه و منطق کارآمد که مفسر حرکت و تبدیل و تغییرات و شدن پدیده ها باشد.

- ضرورت هماهنگی نهادهای علمی و مدیریتی تولید علم

- ضرورت تأسیس بانک توسعه اطلاعات اسلامی و تحقیقات شبکه ای

- ضرورت طراحی مدل انتقال برای گذر از وضع موجود به مطلوب

۳ - موانع پیش رو

- مطلق نگری و نفی نسبییت دینی در حوزه شناخت شناسی الهی

- فقدان منطق شامل برای هماهنگ کردن دین و عینیت

- فقدان فلسفه عمل یا چگونگی اسلامی

- ناهماهنگی منطق معرفت دینی، عقلی و تجربی

مادام که شناخت صحیح و علمی از فلسفه حاکم بر دو تمدن الهی و مادی انجام نشود و ارکان و اصول موضوعه تمدن سازی اسلامی تدوین نشود، نمی توان در مسیر تحقق عملی تمدن سازی گام برداشت. به همین دلیل کم نیستند شمار دین باورانی که به سبب نداشتن یک اندیشه منسجم و خالی بودن دست آن ها از یک نظام فکری کارآمد، تن به پذیرش تمدن موجود می دهند و از ترویج کنندگان مبانی فکری آن ها به حساب می آیند. علت این نقیصه را بیش از هر چیز باید در غالب شدن روح نسخه برداری، ترجمه و اقتباس بر جوامع الهی جست و جو کرد که مبنا و بنای موجود را تنها گزینه در جمع میان «شریعت و معیشت» می دانند؛ غافل از آن که هر یک از سه نظام الحادی، التقاطی و الهی به عنوان سه مکتب متفاوت، دارای سه نوع فلسفه تاریخ، سه نوع اندیشه متفاوت در نظام سازی و سه نوع دکترین مختلف در مدیریت اجتماعی اند.

راهکارها

۱- آسیب شناسی و علت یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی

۲- آسیب شناسی خانواده به عنوان یکی از ارکان مهم سبک زندگی

۳- متولیان دولتی و فرهنگی جامعه باید با تشکیل کارگروه های مختلف و کمیته های تخصصی، بررسی ابعاد سبک زندگی

اسلامی را مورد توجه قرار دهند و متناسب با شرایط زندگی امروز جامعه، ضرورت ها و برنامه های رسیدن به سبک زندگی اسلامی را ارائه کنند.

۴- ایجاد گفتمانی در زمینه آسیب شناسی و چاره جویی مشکلات موجود در سبک و فرهنگ زندگی اسلامی و تمدن نوین اسلامی

۵- وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان نهادهای اصلی در پرداختن به این موضوع و با توجه به مخاطبان اصلی که همان نوجوانان، جوانان و عموم جامعه هستند، می توانند نقش موثری در این باره ایفا کنند.

۶- نهادهای سازی سبک زندگی اسلامی از دوران کودکی در بین دانش آموزان، اثر پذیری بیشتری را به همراه دارد و حتی این موضوع می تواند با رفتن به کتاب های درسی زمینه ساز توجه بیشتر شود که بهترین مأمین آن مدارس کشور هستند.

۷- شاید تدوین سند جامع وزارت علوم و استفاده از عنوان و پرداختن به سبک های زندگی اسلامی و تمدن نویسن اسلامی و رفع چالش های موجود آن بتواند آینده ای را برای کشور ترسیم کند تا به آنچه در نظر داریم تا در سال ۱۴۰۴ به آن دست یابیم، نزدیک کند.

۸- برای نهادهای شدن سبک زندگی اسلامی، و متعاقب آن تمدن نوین اسلامی باید نخبگان علمی و دینی، نسبت به تبیین ویژگی ها و اهمیت این نوع سبک زندگی اقدام و بستر سازی کنند

منابع

۱. اسکاف، ل. ای (۱۳۷۹) ماکس وبر، متفکران بزرگ جامعه شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، نشر مرکز.
۲. بوردیو، پییر (۱۳۸۲). «سرمایه جدید» ترجمه مرتضی مردیها، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۹۱-۱۹۲ صص ۱۸۳-۱۷۴
۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳)؛ تحلیلی از اندیشه بوردیو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، خرداد
۴. داریا پور، زهرا (۱۳۸۶) بررسی تاثیر وضعیت تاهل بر ارزش ها و نگرش های ایرانیان، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
۵. ربانی و رستگار (۱۳۸۷). « جوان، سبک زندگی اسلامی بر خرید و فرهنگ مصرفی» بی جا.
۶. ریچاردز، ب (۱۳۸۲). روانکاوی فرهنگ عامه : نظم و ترتیب نشاط، ترجمه حسین پاینده، تهران: انتشارات طرح نو.
۷. شالچی، وحید (۱۳۸۶) «سبک زندگی اسلامی بر خرید جوانان کافی شاپ». فصل نامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱
۸. صمدی، منصور (۱۳۸۲). رفتار مصرف کننده، تهران، انتشارات آبیژ.
۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). «تجدد و تشخص». ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۱۰. لش، ا (۱۳۸۳). جامعه شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: انتشارات مرکز.
۱۱. مهدیزاده حسین (۱۳۹۰)، پیشینه دانش سبک زندگی اسلامی بر خرید، ماهنامه سوره اندیشه، شماره ۵۰ و ۵۱، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
۱۲. وبر، م (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه منوچهری، ترابی نژاد و عمادزاده، تهران: انتشارات مولی.
۱۳. وبر، م (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
۱۴. هانتینگتون، ساموئل و هریسون لارنس (۱۳۸۸). «اهمیت فرهنگ»، انجمن توسعه مدیریت ایران، تهران: امیرکبیر

15. Giddens, A. (1991) Modrnrity and Self Identity: Self and Society in Late Modern Age.



16. Giddens, A. (1996), In Defence of Sociology , Cambridge, NewYork: Polity Press.
17. Sobel, M. (1981) »Lifestyle and Social Structure: Concepts, Definitions, and Analyses« Academic Press